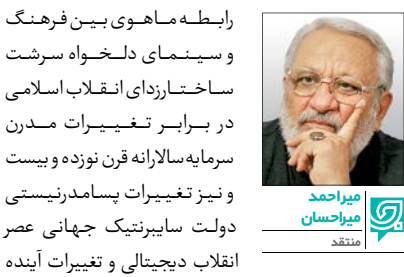


انقلاب اسلامی؛ ساختارزدایی

جهان کنونی و سینمای ایران



رابطه ماهوی بین فرهنگ و سینمای دلخواه سرشت ساختارزدای انقلاب اسلامی در برابر تغییرات مدرن سرمایه سالارانه قرن نوزده و بیست و نیز تغییرات پسامدرنیستی دولت سایبرنتیک جهانی عصر انقلاب دیجیتالی و تغییرات آینده اقتدارگرایی نظام متمرکز یکپارچه کافرانه وجود دارد . متأسفانه وجود شکاف بزرگ بین کار فرهنگی و هنری واقعی ماو آرمان رفیع انقلاب اسلامی و قیام امام خمینی (ره) رانمی توان پنهان کرد و باید چاره‌ای ساختاری و بنیادین اندیشید و به هزار زبان این نکته اصلی و ماهوی و کلی را تکرار کرد و از عملیات مشخص جزئی فرهنگی و سینمایی هز و بی نقشه و وانهاده جلوگیری کرد که تا همین حالا نشنیده گرفتن هشدارهای استراتژیک ساختاری و ول کردن سینما و فرهنگ انقلاب اسلامی در دست غریب‌رایان فرمیست و هم‌سنخ تغییرات جهان غرب و شرق بیشترین آسیب را به وجود و کلیت هویت انقلاب و جمهوری اسلامی وارد آورده و هزینه سرسام‌آوری را در اتلاف زمان و دارایی‌های گوناگون انسانی و فکری و فرهنگی و مالی بر باد داده است و همین یک قلم پیروزی تحمل‌ناپذیر طراحی جهان کفر بوده است. هرچند آثار شریف فرهنگی سینمایی سنتی فراموشی‌ناپذیر از حق‌طلبی را حفظ کرده‌است و اهمیت آفریده شدن این آثار آگاهی‌بخش در جهان ظلمانی نیست انگاری و فسادانگیزی مسلط جهانی عجیب است و امیدبخش و اثبات‌کننده شدن یک انقلاب فرهنگی مقاومت جهانی اسلامی در برابر سیطره هولناک شیاطین پسامدرن و دولت سایبرنتیک جهانی و تغییرات دولت فراالکترونیک در راه؛ امانکات اساسی همراه‌گر در شیوه‌شناسی گفت‌وگوهای فرهنگی نوآموزین وجود دارد که در خدمت مبانی غلط فهم ساختاری جهان و تغییرات در راه است و در بحث فلسفی، زیباشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، سیاست و اقتصاد سیاسی و مسائل حکمرانی و نیز هنر، رسانه و سینما مداخلات غبارانگیزی می‌کند و در ظاهر منطق و شناخت‌شناسی و آگاه‌گری به کفر ظیفی ختم می‌شود تا آگاهی مردم را مخدوش و گیج کند. نظیر برهم‌زدن رابطه جزء و کل یا امر عقلی و امر محسوس و نفی یکی و اتکا به دیگری، نشانمان ایده خود را برحق جلوه دادن و وانمودگی و گیم مجازی، به جای امر واقعی و امر واقعا برحق بودن، یابنی وجود توطنه‌گری در نظام قدرت جهانی و تغییرات نامشروع پرگویی جدید جهانی با ابزارهایی نظیر هوش مصنوعی، متاورس، کنترل دیجیتال، ژنتیک و بیوشیمیایی یابنی اهمیت وسایل مشروع در رسیدن به اهداف دولت پسامدرن و توجیه تاکتیک‌های ضدانسانی و ضد فرهنگ آدمیت....

حقیقت آن است که در هر امر و اقدام و وااوی جزء، همه کل حاضر و مؤثر است و ندیده گرفتن آن کل حاکم بر تغییرات جهانی و ماهیت شیطانی آن مایه تحریف و بدفهمی مرگبار می‌شود، امروز انقلاب اسلامی و تفسیر اصیل قرآنی و اهل‌البیت(ع) امام خمینی تنها تفسیر روشنگر فاقد آلودگی به فریب مدرنیت مستکبر و فرعون‌جی جهان طاغوت زده ماست.

ضرورت درک امر کلی حقیقت انقلاب اسلامی در عصر جدید و لحاظ آن در شناخت نسبتش با نهاده‌ها و رخدادهای جزئی از جمله مسائلی است که عدم پایبندی به آن طی دوست سال اخیر از جمله مهم‌ترین ابزارهای اغوی نظری و توسعه عملی حرکت دشمنان اسلام و رشد ایران بوده است.



قیام‌الله و ایستادگی برابر سلطه‌جویی کشورهای سرمایه‌سالاری مدرن از دوران قاجار و مبارزات استقلال طلبی، عدالت‌خواهی و استعمارستیزی و آزادی‌بخشی، همواره آن امر کلی و پایه‌ای بود که رهبران دینی/سیاسی جنبش و انقلاب اسلامی مثل میرزای شیرازی، شیخ فضل... نوری، مدرس تا قائد جهانی انقلاب اسلامی امام خمینی رحمه...علیهم و امروز رهبر عزتمند مردم ستم‌ستیز و مؤمنان انقلابی جهان اسلام بر آن تاکید داشته‌اند. نکته‌ای که مدام نادیده گرفته می‌شود امر کلی و ماهیت ساختارزدای اسلام قائم بالله و دگرگونی‌خواه منظر عدل جهانی است . تحقق این خواست آرمانی و اجرای آن در همه ساختارهای جزئی اداره جهان البته از سوی پروردگار یگانه، برعهده امام عصر(عج) است. امام در عصر چشم‌به‌راهی ظهور، همه حرکت‌ها در راه طلسم‌ستیزی و حکمرانی‌رها از سیطره کفر جهانی و تلاش برای تشکیل جامعه سالم‌تر برای مسلمانان در حد وسیع و رها از ربوبیت شیاطین و حرام‌کاری و اصلاح امور، بدون توجه به این آرمان و امر کلی به شکست و انحطاط و استحاله دچار و ابزار دست شیطان بزرگ و طاغوت متفرعن جهانی خواهد شد و به ضدش بدل می‌شود.

حال برگردیم به پرسش نسبت روح ساختارزدای انقلاب اسلامی در پیشینه‌اش و مقابله با ساختار جهانی و نفی زیستن به‌مثابه کشور پیرامونی در نظام سلطه و مقاومت علیه سقوط در جایگاه کشور پیرامونی و گاوشریده در تغییرات مدرنیزاسیون پهلوی و سینما و موضع انقلاب الهی ایران بااین ساختار کافرانه سینمایی میراث مصر پهلوی چه در آغاز استبداد وابسته رضا شاهی و چه در زمان محمد رضا شاه.

«جام جم» به بهانه برگزاری پرشکوه چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر بررسی می‌کند

لزوم پوست اندازی سینمای ایران

هوای تازه‌ای به سینمای ایران راه یافت و این سینما از یک رکود و تکرار ۱۵-۱۴ ساله خلاص شد. از همین روی به‌رغم شرایط انقلابی در جامعه و سپس آغاز جنگ تحمیلی، استقبال مردم از فیلم و سینما مجدد بالا گرفت چنانچه آثاری مانند عقاب‌ها (ساموئل خاچیکیان)، کانی مانگا (سیفا... داد) کلاه قرمزی و پسر خاله (ایرج طهماسب) و ... به پربیننده‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران تبدیل شدند. مردم در شرایطی که هواپیماهای مدام، تهران و دیگر شهرها را بمباران می‌کردند اما با قبول خطر در صف سینماها ایستاده بودند تا فیلم‌های عقاب‌ها، کانی مانگا و گذرگاه را ببینند.

با آغاز تولید در سینمای پس از انقلاب، به‌تدریج فیلم‌سازان جدید که بعضا از سینمای آزاد و غیرحرفه‌ای قبل از انقلاب آمده یا پس از آن در مراکزی همچون حوزه هنری و بنیاد مستضعفان و مداوسیم‌ا و مرکز آموزش اسلامی فیلم‌سازی جمع شده و ساخت فیلم را آغاز کرده بودند، پای بازیگران جدید نیز به میان آمد. ابتدا عرصه تئاتر و نمایش مهم‌ترین میدان برای ورودی بازیگران سینما بود و بعد هم مراکز آموزشی که به‌تدریج دایر شدند، بازیگران جدید تربیت کردند و در این میان گروهی هم مرفا به‌دلیل کار با گروه‌های تئاتری، عروسکی و نمایشی، ابتدا به مداوسیم‌ا و به‌دنبال آن به سینما راه یافتند. افرادی که در صورت تداوم سینمای قبل از انقلاب، اساسا راهی به سینما و بازیگری پیدا نمی‌کردند.



سید مستغای مستندساز فیلم و کارشناس سینما

بازهم بازیگران کلیشه‌ای و تکراری

سینما را قبضه کردند

دهه ۶۰ و ۷۰ سال‌های استقبال مردم از سینمای ایران بود و بازیگران جدید در این عرصه جولان می‌دادند و در غیاب هنرپیشه‌های قبل از انقلاب برای خود وجهه کسب می‌کردند. بازیگرانی که بعضا از هنر بازیگری هم برخوردار نبودند و اگر هنرپیشه‌های قبل از انقلاب بنا به برخی جاذبه‌های فرامتنی فیزیکی و ظاهری به جذب تماشاگر می‌پرداختند، این نوبت بازیگران متأسفانه از آن جذابیت‌ها هم بی‌بهره بودند. چنانچه به نظر می‌رسید اگر آن اسلاف همچنان در عرصه بازیگری جولان می‌دادند، این اخلاف را حتی به‌عنوان خدماتی سالن‌های سینما هم نمی‌پذیرفتند اما به هر حال این حضرات به برکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و از خالی شدن میدان از هم‌پاکی‌های قبلی، استفاده کرده و به قبضه کردن میدان سینما اقدام کردند. شاید ابتدائندکی هم سعی داشتند، هنر بازیگری را عرضه‌کننده ولی از آنجا که بعضا نه استعدادش را داشتند و نه توانایی، در این امر ناموفق مانده و به‌تدریج به همان اسلاف قبل از انقلاب تاسی کرده و تلاش کردند تا به جلوه‌نمایی جذابیت‌های فرامتنی بپردازند که متأسفانه از آن بی‌بهره بودند.

اما از اواسط دهه ۷۰ با سمت و سوگیری سینمای ایران به موضوعات و محتوایی که با فرهنگ، باورها و ارزش‌های جامعه ایرانی سازگار نبود و تولید آثاری که هنجارهای اخلاقی و رفتاری جامعه را زیر پا می‌گذارد به‌تدریج اقبال مردم، نسبت به سینما کاهش یافت تا این‌که در اوایل دهه ۸۰ میزان تماشاگر سینمای ایران به حداقل خود رسید. بازهم کلیشه و تکراری شدن بازیگران علاوه بر سوزده‌های به‌شدت تکراری و غیرجذاب، مردم را از سینما دور کرد. تعدادی از بازیگران رکه چندان هم از هنر بازیگری برخوردار نبوده و صرفا با راست و پارتی خود را آویزان سینما کرده بودند، به‌تدریج اغلب آثار پرخرج و پریول سینما را منوچل خود کرده و سینمای ایران را به سان قلعه‌ای رآورده‌ند که کسی را توانایی راهیایی به آن نبود.

فقط ۷ درصد از تماشاگران سینما باقی ماندند

چند بازیگر تکراری، فیلم‌های ظاهرا کم‌دی را در تیول خود گرفتند، چند نفر آثار به‌اصطلاح اجتماعی را، چند نفر در فیلم‌های حادثه‌ای و تعدادی هم در فیلم‌های ملودرام و ... و این چنین بود که هرچه فضای این سینما را کدتر و برای تنفس دشوارتر شد، سالن‌های سینما هم خالی و خالی‌تر شد تا این‌که در دی ۱۳۹۷ مرکز آمار ایران، ارقام تکان‌دهنده‌ای انتشار داد و تلویحا اعلام کرد فقط ۷ درصد جمعیت ایران، مخاطب سینمای ایران هستند، یعنی ۹۳ درصد ایرانی‌ها اصلا عطای این سینما را به لقایش بخشیده‌اند. این گریزان شدن تماشاگر از سینمای ایران متأسفانه باعث شد، برخی از فیلم‌های ارزشمند، جذاب و واقعا سینمایی هم از اکران مناسب و استقبال شایسته مردمی دور بمانند.

و بعضی سیاستمداران که‌هنر آمریکایی و حتی رسانه‌های معتبرشان هم اذعان کردند جمهوری اسلامی، بیدی نیست که از این بادها بلرزد اما نگوین بخت و تیره‌روز همان شبه‌بازیگران و شبه‌سلیربتی‌هایی بودند که به‌دلیل سطح سواد بسیار پایین و عدم برخورداری از هنر و البته جوگیرگی، به این توهم افتادند که بوی کباب می‌آید!

شروع کردند به شعر و شعار سردادن و سخن از مسائل و مفاهیمی گفتند که حتی دیکته آن را به زور و با اغلاط بی‌شمار می‌نوشتند! طرفه آن‌که بعضی از این حضرات که گویا دوزاری‌شان خیلی کج بود مثل آنهایی که در سال ۵۷ ساواکی شدند، بعد از فروخواپیدن اغتشاشات و حتی ساکت شدن رسانه‌های زنجیره‌ای یگانه، تازه آنها به حرف افتادند که یله‌ماهم هستیم!

الغرض! گروهی از این افراد هم شروع به تحریر جشواره‌ها، مراسم و فیلم‌ها کردند که در میان‌شان از آن شبه‌بازیگران بی‌هنر هم کم نبود. چنان نمایانند که گویا عن‌قریب سیمان دادن اوضاع درهم‌ریخته ۱۰ سال گذشته بود، با تمام قوا وارد میدان شدند و همه اعوان و انصارشان را هم از دور و نزدیک و داخل و خارج به میدان فراخواندند.

آنها خود می‌دانستند که خبری نخواهد شد و برخی مقامات‌شان ازجمله مسئولین اطلاعاتی اسرا تیل

کوه دماوند هم آتشفشانی کرده و همه سینمای ایران و بالطبع آن جشنواره فیلم فجر تعطیل می‌شود!

جشواره تعطیل نشد، شمارخص شدید!

خوشبختانه چندسالی‌است که جشنواره‌هایی مانند عمار، با قدرت و قوت و با حضور سینماگران جوان برگزار شده و سینماحقیقت نیز نوید فیلم‌سازان خوش ذوق و خوش‌قریحه را داده که بسیاری از این دوستان، به لحاظ دانش تکنیکی و سینمایی چند سر و گردن از آن مدعیان بالاتر بوده و هستند. به نظر می‌آید عدوسبب خیر شد و اگر خدا بخواهد، آن هوای راكد نفس‌گیر و مانده در حال رخت‌برستن از این سینماست و آن‌شاء... جماعت تازه‌نفس و جوان راهی میادین مختلف این سینما خواهند شد. اگرچه برخی از آنها که در خواب پنه‌دانه می‌دیدند، از ورای این اغتشاشات اخیر، توهم یک انقلاب را داشتند اما اتکار قرار است این انقلاب در سینمای ایران اتفاق بیفتد که مبارک باشد. آش آن‌قدر شور شد که خان هم فهمید و رادیو فردا، گزارش‌ری در آبان‌ماه ارائه داد که علی‌رغم تحریم گروهی از بازیگران و عوامل سینمای ایران، ده‌ها فیلم و سریال در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی در حال تولید است و متأسفانه این نخبگان و صاحبان آی‌کیو! نتوانستند در کنار گوش خود این واقعیت را بفهمند. امسال دل‌مان خوش است که در جشنواره فیلم فجر دیگر



آن بی‌هنرانی را که بیش از ۳۰ سال این سینما را در قبضه خود گرفته بودند و شوربختانه در هر عزا و عروسی و در هر فیلم و سریالی، چشم‌مان با دیدن شکل و شمایل و ترکیب‌شان آزار می‌دید را مشاهده نکنیم.

امسال دل‌مان خوش است پس از ۳۰ سال هوای تازه سینمایی در جشنواره فجر تنفس می‌کنیم و از شر آثار خسته‌کننده و ملال‌آور و پسرهای وهوی» خلاص هستیم. اگرچه مسبوق به سابقه است که باز این جماعت جلو می‌آیند (چنان‌که آمدند) و تقاضا می‌کنند (چنان‌که کردند)، به قول معروف با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند، تا آخرین لحظات پذیرش فیلم‌ها از سوی جشنواره، در تکاپوی اصلاحات آن بودند ولی اظهار می‌کنند که جشنواره را تحریم کرده‌اند! جل‌الخالق! سینمای ایران را تمام‌شده دانسته درحالی‌که بسیاری از آنها در صف تولید قرار داشته و به دنبال دریافت مجوز ساخت از سازمان سینمایی هستند و برخی از آنها! اعتراف کرده‌اند که همه سروصدای‌شان برای فحش نخوردن و بدویبراه نشنیدن از جماعت اغتشاشگر بوده است! مثل دوران فتنه ۸۸ که همین جماعت از یک‌سو شعار حمایت از موسوی و تحریم سینما را می‌دادند و از سوی دیگر اولین افرادی بودند که برای تریبک و گرفتن حق و حساب ماهانه خود در هنگام ورود رئیس جدید بنیاد سینمایی فارابی در دولت دهم، جلوی در این بنیاد صف کشیدند! اما! سینمایی مابه‌هوای تازه نیاز دارد و مانند دوران اول انقلاب، باید پوست بیندازد. لطفاً آن را از این سینما دریغ نکنید.

